



نگارش و تحقیق: مصطفی الباجی

بسم الله الرحمن الرحيم

((چرا علی؟))

تقریباً ساعت یک بامداد بود. روز بیست و چهارم ماه مرداد سال ۱۳۹۸.... بود. ناگهان سیلی از افکار به سراغم سرازیر شد. اساس این افکارم سخنان یک شیخ بود او درباره واقعه قدیر توضیح مقتصری داد و در آخر سوالی از ما پرسید که انگیزه انجام این تحقیق برای من شد. سوالش این گونه بود: که از ما تحقیق می خواست. آیا حق با پیروان مذهب شیعه است یا سنی؟ و ولایت حقیقی یا همان خلافت پس از رسول خدا حق کدام یک از مسلمانان است؟ چرا علی؟ چگونه می توانیم به دیگران ثابت کنیم که آیه تبلیغ و واقعه قدیر در شان ولایت امیر المومنین علی (ع) است؟

برایم مسله پیش آمد و در این مسله عمیق و عمیق تر فکر کردم. گویا به من الهام شده است که در باره آن بیاندیشم و خوابم نبرد. هر چقدر سعی داشتم بخوابم نشد، با اینکه صبح این روز ساعت ۶ می بایست بیدار شوم و خودم را آماده رفتن به دوره تکمیلی کنم؛ نمازم را بخوانم، لباس های دیجیتالی ام را بپوشم، صبحا نه ام را بخورم و سپس کفشهای سیاه نظامی ام را پایم کنم و در نهایت از خانه بیرون بزنم.....

مسله..... مسله..... مسله.... چه بود؟ این بود "واقعه قدیر در شان ولایت و خلافت علی بعد از پیامبر است یا خیر؟"

در بستر خواب سعی داشتم بخوابم اما ناگهان افکار، سوالات و جواب های تازه ای در مغزم خطوط می کرد و تا آن ها نمی نوشتم آرام نمی گرفتم. این امر چندین بار به صورت متوالی برایم اتفاق افتاد که پس از نوشتن مطالبی که به ذهنم خطوط می کرد به خواب می پرداختم و بلافاصله فکر و جواب بعدی می آمد و باز من بیدار می شدم و مطالب تازه را یادداشت می کردم. راستش را نمی دانم، الله و اعلم. علت نخوابیدن من چه بود؟ آیا در اثر قهوه ای که عصر خورده ام اینگونه شدم یا این اتفاق، اتفاقی بود که باید اتفاق می افتاد؟ از نظر من که چیز طبیعی نبود چون من به نوشیدن قهوه در هنگام شب نیز به راحتی می توانستم بخوابم این یعنی به قهوه خوردن عادت دارم و تاثیری بر خواب من نمی گذارد. بنده از این امر مطمئنم. آن شب من نخوابیدم جز یک ساعت مانده به ساعت ۶ صبح.

از یاد داشت هایی که در آن شب نوشتم، نتایجی حاصل شد که به نظر من خالی از لطف نیست که شما هم از آن ها مطلع شوید.

در اینجا قصد داریم به کمک این یادداشت‌ها دلایل و مدارکی در اختیارتان بگذارم تا شما خودتان قضاوت کنید و مجری حکم حق و باطل باشید. صادقانه باید بگویم که میان حق و باطل تنها چهار انگشت فاصله است.

برای حل مسله مذکور لازم است از واقعه قدیر و از تمامی جوانب آن مطلع باشیم. پس واقعه قدیر را نقل می‌کنیم با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد :

واقعه غدیر:

واقعه غدیر رویداد مهم تاریخ اسلام است که در آن پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در پی دستور الهی، علی (علیه السلام) را به سمت جانشینی خود منصوب نمودند. این انتصاب در هجدهم ذی‌الحجه سال دهم هجری در راه بازگشت از سفر حجۃ‌الوداع و در مکانی به نام «غدیر خم» انجام پذیرفت. واقعه غدیر در قرآن به عنوان روز اکمال دین مورد اشاره قرار گرفته است. این تعریف واقعه غدیر بود.

و اما ماجرا به این شرح است:

با این که انتظار می‌رفت پیامبر خدا در اولین و آخرین سفر حج خود (حجۃ‌الوداع) مدتی در مکه بمانند، ولی بلافاصله پس از اتمام حج حضرت به منادی خود بلال دستور دادند تا به مردم اعلان کند: فردا کسی جز معلولان نباید باقی بماند، و همه باید حرکت کنند تا در وقت معین در غدیر خم حاضر باشند .

صبح آن روز که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مکه حرکت کردند، سیل جمعیت که بیش از صد و بیست هزار نفر (و به قولی صد و چهل هزار، و به قول دیگر صد و هشتاد هزار نفر) تخمین زده می‌شدند به همراه حضرت حرکت کردند. حتی عده‌ای حدود دوازده هزار نفر از اهل یمن که مسیرشان به سمت شمال نبود همراه حضرت تا غدیر آمدند .

توجه: در اینجا حدیث الثقلین را که قبل از واقعه غدیر خم و در همان حجه‌الوداع در منا که دو بار توسط پیامبر فرموده شد را از یاد نبریم؛ (من دو چیز گرانبها در میان شما باقی می‌گذارم که اگر به آن دو تمسک جویند، هرگز گمراه نخواهید شد؛ آن دو) کتاب خدا و عترتم؛ اهل بیتم)، می‌باشند وقتی جمعیت به غدیر خم رسید، حضرت فرمودند: ((ایها الناس اجیبوا داعی الله، انا رسول الله؛ ای مردم! دعوت کننده خدا را اجابت کنید، من فرستاده خدایم.)) و این کنایه از آن بود که وقت ابلاغ پیام بس مهمی فرا رسیده است. پس از این دستور، همه مرکب‌ها متوقف و جلو رفته‌ها باز گشتند. شدت گرما به حدی ناراحت کننده بود که مردم و حتی خود حضرت گوشه‌ای از لباس

خود را به سرانداخته و گوشه‌ای از آن را زیر پای خود قرار داده بودند، و عده‌ای از شدت گرما عبای خود را به پایشان پیچیده بودند. از سوی دیگر پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مقدار و سلمان و عمار را فرا خوانده، دستور دادند تا به محل درختان کهنسال رفته آنجا را آماده کنند. آنها خارهای زیر درختان را کردند و آنجا را صاف نمودند و آب و جارو زدند، و در فاصله بین دو درخت، روی شاخه‌ها پارچه‌ای به عنوان سایبان انداختند تا آن محل برای برنامه سه روزه آن حضرت کاملاً مساعد شود. سپس با کمک سنگ‌ها و جهاز شتران منبری به بلندی قامت آن حضرت ساختند. بعد از اقامه نماز ظهر، حضرت بر بالای منبر رفت و امیرمؤمنان (علیه‌السلام) را نیز فرا خواند و به او دستور داد، بالای منبر بیاید و در سمت راستش یک پله پایین تر بر فراز آن قرار گیرد.

در این اثنا وحی نازل شد و فرمان الهی را بر قلب اشرف المخلوقات نازل شد:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ ۗ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای پیامبر، آنچه را از جانب پروردگارت به تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی رسالتش را به انجام نرسانده‌ای.
 بی گمان، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد.

چه چیزی مهم تر است که در صورت ابلاغ نشدن آن توسط خود رسول به مسلمانان حاضر قدیر خم(که در روایتی بیش از ۱۲ هزار مسلمان)، زحمات ایشان(که ۲۳ سال دعوت و تبلیغ دین مبین اسلام است) گویا بیهوده است؟

نبی الله بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: «اقرار می‌کنم به بندگی خدا و شهادت می‌دهم که او پروردگار من است، و آنچه به من وحی نموده، ادا می‌نمایم و الا ترس دارم عذابی بر من فرود آید... خداوند بر من چنین وحی کرده است: ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده ابلاغ کن و اگر انجام ندهی، رسالت او را نرسانده‌ای و خداوند تو را از مردم حفظ می‌کند.

«ای مردم! من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکرده‌ام، جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام رساند... و مرا مامور کرد که در این محل اجتماع بپا خیزم و بر هر سفید و سیاهی اعلام

کنم: ((ان علی بن ابی طالب اخی و وصیی و خلیفتی و الامام من بعدی، الذی محله منی محل هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی و هو ولیکم بعد الله و رسوله؛

به راستی علی بن ابی طالب برادر، وصی و جانشین من و امام بعد از من است. کسی که نسبت او به من همانند نسبت هارون به موسی است، جز اینکه پیامبری بعد از من نیست و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش می باشد.))

و نیز این حدیث از پیامبر اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - در روز غدیر خم خطاب به حاضران هزاران نفری فرمود: ((أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَىٰ. قَالَ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ. اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ...))

بزرگترین نگرانی آن حضرت در آن ایام آخر حیاتش ولایت و جانشینی یا خلافت پس از خودش و نیز آینده امت اسلامی بود. آیا خداوند سبحان به چنین چیزی اهمیت نداده است؟ چه چیزی در آن روزهای واپسین پیامبر مهمتر از آینده جامعه اسلامی و ولایت و خلافت بود؟ آیا نگرانی آن حضرت چیزی طبیعیست؟ خیر اینطور نیست. اصل ایه شریفه در شان ولایت و خلافت حضرت علی بعد از پیامبر بود.... اما چرا علی؟

از شما می پرسم ای شیعیان و همچنین از شما می پرسم ای اهل سنت :

واجد شرایط ترین فرد پس از رسول خدا برای خلافت کیست؟

(کدام یک از خلفای نخست به همان اندازه علمی داشت که علی علم داشت؟ هیچ یک از آن ها و هیچ یک از مسلمانان آن زمان و این زمان و تمامی جهانیان. علم علی، علم آسمانی است که از طریق وحی بر پیامبر نازل می شد و توسط پیامبر به امام تعلیم داده می شد. دستور خداوند است. می خواهید برایتان مدرکی بیاورم که علی اعلم ترین انسان هاست؟ باشد میاورم. برای پی بردن به علمش بروید و اثرش را که کتاب نهج البلاغه است را مطالعه کنید. شاهکار است. بی نظیر، حکیمانه و آسمانی... هیچ انسانی تا کنون نتوانسته است آن را بطور کامل درک کند و یا چیزی مشابه آن بنویسد و یا حتی ذره ای از علمش را داشته باشد. عظیم است این علم بی کران حیدر کرار.

ابن ابی الحدید که از دانشمندان بزرگ اهل سنت است، شرح مفصلی بر نهج البلاغه نوشته که امروزه در چندین جلد، چاپ شده است. وی در مقدمه کتاب خود می گوید: ((به حق، سخن علی را از سخن خالق (قرآن) فروتر و از سخن مخلوق (دیگر انسان ها) برتر خوانده اند...)). این علمیست بی کران که حتی اهل سنت نیز به آن اعتراف می کنند.

و در جای دیگر از عمر ابن الخطاب خلیفه دوم مسلمانان نیز نقل شده است که می گوید: ((لو لا علی لهلك عمر)) این تنها درایت و حکمت و علم امام را می رساند که تا چه حد بی کران بوده و در این شکی نیست. این تنها یک مورد است و موارد دیگری نیز هست: ((انا مدینه العلم و علی بابها))

دو باره از شما هم اهل تشیع و هم اهل سنت می پرسم:

در آن شبی که حضرت محمد از مدینه راهی مکه شدند چه کسی جرعت کرد و با تمام شجاعت در بستر آن بزرگوار خوابید؟

چه کسی در جنگ بدر ((ولید))، دایی معاوه را از پای در آورد؟

چه کسی در جنگ احد در دفاع از وجود پیامبر از جانش گذشت؟ چه کسی پس از شکسته شدن شمشیرش از پیامبر ذوالفقار را دریافت کرد و پرچمداران قریش را یکی پس از دیگری نابود کرد و جان پیامبر را نجات داد در حالی که همه مسلمانان در حال فرار بودند؟

چه کسی در جنگ خندق، عمر ابن عبدود عامری (بطل العرب=قهرمان عرب) را با آن جثه و قامتش در حالی که هیچ یک از مسلمانان جرعت نمی کرد به مبارزه اش برود از پای در آورد؟ چه کسی با چنین کاری رعب را در دل دشمنان اسلام افکند؟

در جنگ خیبر در حالی که هیچ یک از ملمانان جرعت نمی کرد با مرحب یهودی که مبارزه می طلبید، مبارزه کند چه کسی به پیکار با آن رفت و آن را نابود ساخت؟ چه کسی دروازه خیبر را به تنهایی از جایش کند در حالی که لازمه این کار ۱۲ تن از مردان نیرومند است؟

کیست که بعد از فتح مکه اولین شخصی بود که در مکه را باز کرد و بت های مشرکان را سرنگون کرد؟

چه کسی اولین کاتب وحی است؟

چه کسی در دل خانه خدا چشم به جهان گشود؟

علی.....علی.....علی

به راستی که این مرد اولین ایمان آورنده به خدا، وفادارترین در پیمان با خدا، راسخ ترین در انجام فرمان خدا، صادق ترین در داوری بین مردم، بهترین در رعایت مساوات و ارجمندترین نزد خداست..

آن امام بزرگوار که نامش علی، در میدان جنگ، شجاع ترین؛ در محراب عبادت، عابدترین؛ در مقام قضاوت، دقیق ترین؛ در کلاس درس، عالم ترین؛ در بلاغت و زیبایی سخن، بلیغ ترین؛ و در عرصه حکمرانی، عادل ترین است.

حال که اینگونه است چه کسی واجد شرایط ترین مسلمانان برای رهبری آنان پس از رسول خداست؟

علی.....علی.....علی

دوباره می‌خواهی بگویی "چرا علی؟" به این دلیل و آن دلیل و هزاران دلیل. و بی‌نهایت دلیلی که تا کنون کشف نشده.

ابراز عشق و محبت پیامبر نسبت به علی:

بعضی‌ها می‌گویند در قدیر خم _ حضرت محمد _ تنها می‌خواست علی را به مسلمانان نشان دهد و بگوید همانطور که من دوستش می‌دارم شما هم دوستش بدارید؟ آیا چنین چیزی به عقل می‌رسد. پیامبر به هیچ وجه این کار را نمی‌کند که بخاطر ابراز محبت به کاروان‌هایی که پشت سرشان هستند دستور حرکت سریع بدهد و به کاروان‌هایی که جلو افتاده‌اند دستور برگشت بدهد و در غدیر خم جمع شوند تا این کار را بکنند (ابراز محبت به علی)؛ مخصوصاً در آن گرمای سوزان. و اگر چنین کند در حق تک‌تک مسلمانان حاضر در غدیر خم ظلم کرده است. آیا پیامبر ظالم است که وقت مسلمانان حاضر را بگیرد؟ و یا آن‌ها را در گرمای سوزان نگاه دارد؟ این دستور الهی است؛ که بسیار قاطع و جدی بر قلب پیامبر توسط وحی الهی (جبریل) نازل شد.

توجه داشته باشید که رسول اکرم در هر فرصتی که پیش می‌آمد خواه در برابر مسلمانان و خواه در برابر حضور اهل بیتش به حضرت علی ابراز محبت می‌کردند. نمونه اش ((حدیث جابر))

این بدان معناست که تمامی مسلمانان آن زمان می‌دانند که پیامبر رحمت، امام علی را بسیار بسیار دوست می‌دارد و همه آن‌ها را به دوست داشتنش سفارش می‌کرد. این مورد را در میان احادیث پیامبر میابیم که: هر کس که علی (ع) را دوست ندارد محمد (صله الله علیه و اله وسلم) را نیز دوست ندارد.

ما در شخصیت امام علی، پیامبر را می‌بینیم با این اختلاف که بر پیامبر وحی نازل می‌شد اما بر امام علی وحی نازل نمی‌شد. این دستور خداوند است که حضرت محمد را خاتم النبیین قرار دهد و بدین ترتیب وحی پس از آن بر هیچ احدی نازل نشود.

در شخصیت پیامبر نیز، علی را می بینیم. این دو جدایی ناپذیرند مثل گوشت و ناخن. آیا می توان از هم جدایشان کرد؟ به هیچ وجه. بارها و بارها در احادیث شنیده ایم که پیامبر این مورد را تصدیق می کند. مثل ((حدیث منزلت)).

امام علی قبل از واقعه قدیر و هنگامی که اسلام نوپا بود نیز توسط پیامبر به دستور خداوند متعال به خلافت و ولایت منصوب گردید. نمونه اش ((آیه انذار)) و ((آیه ولایت)) است.

آیه انذار و ماجرایش:

وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

و خویشانِ نزدیکت را هشدار ده.

وقتی این آیه شریفه نازل شد رسول اکرم به علی (ع) (فرمود غذایی ترتیب بده و بنی هاشم و بنی عبدالمطلب را دعوت کن. علی (ع) هم غذایی از گوشت درست کرد و مقداری شیر نیز تهیه کرد که آنها بعد از غذا خوردند. پیغمبر اکرم اعلام دعوت کرد و فرمود من پیغمبر خدا هستم و از جانب خدا مبعوثم. من مأمورم که ابتدا شما را دعوت کنم و اگر سخن مرا بپذیرید سعادت دنیا و آخرت نصیب شما خواهد شد. ابو لهب که عموی پیغمبر بود تا این جمله را شنید عصبانی و ناراحت شد و گفت تو ما را دعوت کردی برای اینکه چنین مزخرفی را به ما بگویی؟! جار و جنجال راه انداخت و جلسه را بهم زد. پیغمبر اکرم برای بار دوم به علی (ع) دستور تشکیل جلسه را داد. خود امیر المؤمنین که راوی هم هست می فرماید که اینها حدود چهل نفر بودند یا یکی کم یا یکی زیاد. در دفعه ی دوم پیغمبر اکرم به آنها فرمود هر کسی از شما که اول دعوت مرا بپذیرد، وصیّ، وزیر و جانشین من خواهد بود. غیر از علی (ع) احدی جواب مثبت نداد و هر چند بار که پیغمبر اعلام کرد، علی (ع) از جا بلند شد. در آخر پیغمبر فرمود بعد از من تو وصیّ و وزیر و خلیفه من خواهی بود.

آیه ولایت و ماجرایش:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ

رَاكِعُونَ

ولی شما فقط خدا، پیامبر و مؤمنانی هستند که نماز را به پا داشته، در رکوع زکات می‌دهند.

با نزول این آیه، رسول خدا دریافت که چنین واقعه‌ای رخ داده است و کسی در رکوع صدقه داده است و خداوند قصد دارد او را معرفی کند؛ با شتاب و در حالی که آیه را می‌خواند و مردم را از آن آگاه می‌کرد، به مسجد آمد و پرسید:

"چه کسی در حال رکوع صدقه داده است؟"

فقیری که انگشتی در دست داشت، به حضرت علی که در حال نماز بود، اشاره کرد و گفت:

"این مرد در حال رکوع، انگشت خود را به من بخشید."

مردم که از محتوای آیه با خبر شده بودند، تکبیر گفتند و رسول خدا نیز، ستایش و سپاس خداوند را به جا آورد.

نزول این آیه در چنین شرایطی و اعلام ولایت حضرت علی از جانب نبی الله، برای آن بود که مردم با چشم بینند و از زبان پیامبر بشنوند تا امکان مخفی کردن آن نباشد.

نتیجه گیری:

بنا بر مدارک و مستندات که در دست است، نتیجه ای که می گیریم این است که خداوند از پیش از واقعه قدیر نیز امام علی را توسط پیامبر به جانشینی و ولایت مسلمین منصوب کرده است.

مطالب زیادی هست که نمی توانم آن ها را در یک مقاله برایتان توضیح دهم. بی شمار اند و تمامی ندارند.

حقیقت، ما در آنجا نبودیم هنگامی که علی بود

ما شبانگاه نبوده ایم که فداکاری و شجاعت علی در بستر اشرف المخلوقات بود

ما شاهد مهربانی های شبانگاهی اش (منظور صدقه شبانگاه و مخفیانه ای که حضرت علی در درب خانه های مسلمانان فقیر می کاشت) نبودیم هنگامی که او بود.

بود و بود و بود و ما نبودیم چه حیف شد!!! اما عشقِ علی بود که سینه به سینه از پدرانمان به ما به ارث رسیده و از همان کودکی عشقش در وجودمان بود.

گفته ی اشرف المخلوقات محمد المصطفی در آن زمان ((جابر)) چه بود؟

"و الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّ هَذَا وَ شِيعَتَهُ لَهُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ"

ای دشمن علی!! به این خیال باش که ما دست از سر معشوقمان که علی است و عالیست برداریم.

این عشقیست ما بین ما و علی، حقیقی و آنتیک الی یوم الدین.

عشقیست که در قلب هایمان و نسل های ما بعدمان باقی و روز افزون خواهد ماند. انشالله...

اللهم اجعلنا من شِيعَتِهِ عَلِيٌّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ عَلِيٌّ مَنِهْجِيهِ وَ سَنبِ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ انصرنا على القوم الضالين. آمين يا رب العالمين.

من همینم که هستم

به علی دل بستم

مرا بکش اصلاً تیکه تیکه ام کن خفه ام کن به مولا که خستم

از دست تو مَتی (چه وقت) می خواهی بفهمی که الحق مع علی و علی مع الحق؟ هَذَا لَيْسَ قَوْلِي بَلْ قَوْلُ رَسُولِ الْمُصْطَفَايِي وَ قَوْلِ النَّبِيِّ الْإِلَهِ الْحَقِّي وَ ذِكْرُ الْمَبِينِي سَتَدْخُلُونَ الْجَهَنَّمَ يَا أُولُو الْعِنَادِ ان شا ربي العالمين.

لَا فَتَى إِلَّا عَلِيٌّ وَ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ

شمشیری چون ذوالفقار و جوانمردی همچون علی وجود ندارد.

نویسنده: مصطفی الباجی

تقدیم به عاشقان علی (ع)

پایان